**ایجاد یک مرجع مستقل حرفه‌ای**



**پدیدآورنده: مجید شهبازی**

در سال 1372 قانون «استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذی‌صلاح به‌عنوان حسابدار رسمی» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که به پشتوانه این قانون «جامعه حسابداران رسمی ایران» در سال 1380 با هدف تنظیم امور و اعتلای حرفه حسابداری و حسابرسی و انجام نظارت حرفه‌ای بر کار حسابداران رسمی و موسسه‌های حسابرسی، به‌عنوان نهادی غیردولتی، غیرانتفاعی و دارای استقلال مالی و شخصیت حقوقی مستقل تشکیل شد.
در فصل چهارم اساسنامه جامعه که مواد 28 الی 30 آن اساسنامه را به خود اختصاص داده، مقرر شده است که: "به‌منظور اطمینان از ارتقای کیفیت خدمات حرفه‌ای اعضا، هماهنگی در روشهای انجام امور حسابرسی و بازرسی قانونی، افزایش کیفیت گزارشهای حسابداران رسمی و موسسه‌های حسابرسی، پیشگیری از رفتار ناسازگار با شئون حرفه‌ای و ملزم بودن اعضا به گذراندن دوره‌های بازآموزی، همچنین رعایت مقررات قانونی مربوط شامل مفاد این اساسنامه و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی آن، جامعه بر کار حرفه‌ای حسابداران رسمی و موسسه‌های حسابرسی نظارت مستمر دارد." هیئت‌مدیره جامعه نیز موظف شده است حداقل هر سال یک بار چگونگی فعالیت حرفه‌ای هر یک از اعضا را رسیدگی کند.
با توجه به فلسفه وجودی جامعه حسابداران رسمی ایران که یکی از ارکان آن نظارت حرفه‌ای بر کار حسابداران رسمی و موسسه‌های حسابرسی است و فصل چهارم اساسنامه جامعه و همچنین قانون «استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذی‌صلاح به عنوان حسابدار رسمی» که پشتوانه قانونی اختیار اعمال نظارت بر موسسه‌های حسابرسی به‌وسیله صرفاً جامعه حسابداران رسمی ایران است، به نظر می‌رسد نظارت مجدد از طرف سایر نهادها و سازمانها نظیر سازمان بورس و اوراق بهادار و اخیراً بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، منطقی نبوده و فاقد وجاهت قانونی است و ،فقط باعث اتلاف و تخصیص غيربهینه منابع و چندباره‌کاری‌هایی خواهد شد که در نهایت به همان نتایجی خواهد رسید که با انجام یکباره این فرایند، البته به‌طور اثربخش و کارا به‌وسیله تنها نهاد ذيحق، به‌دست می‌آید.
دو نهاد مشابه در سطح دنیا شامل هیئت نظارت بر حسابداری شرکتهای سهامی عام (PCAOB) و هیئت تحقیق و انضباطی حسابداری (AIDB) است که نهاد اول در کشور امریکا و پس از رسوایی مالی انرون و به منظور اعمال نظارت بیشتر و موثرتر بر موسسه‌های حسابرسی ایجاد گردید و نهاد بعدی در کشور انگلستان و به همین منظور بنا نهاده شد. وجه مشترک آنها با جامعه حسابداران رسمی ایران این است که تمامی این نهادها مستقل، غیردولتی و غیرانتفاعی هستند که همین ویژگی امکان نظارت اثربخش‌تر و کاراتر و فارغ از هرگونه سوگیری بر موسسه‌های حسابرسی را برای این نهادها فراهم می‌آورد. پس با توجه به تشابه نوع تشکل و شیوه اداره جامعه حسابداران رسمی ایران با سایر نهادهای بین‌المللی که به صورت نسبی در امر نظارت موفق عمل کرده‌اند و همچنین وجود پشتوانه قانونی لازم از این بابت، به‌‌نظر می‌‌رسد جامعه حسابداران رسمی ایران به صورت بالقوه توانایی و امکان اعمال نظارت بر موسسه‌های حسابرسی را به‌عنوان تنها مرجع صلاحیتدار، دارا باشد.
اما موضوع و علل ناموفق بودن این نهاد در این امر که باعث شده سایر سازمانها و نهادها مانند سازمان بورس اوراق بهادار، دیوان محاسبات کشور و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به‌صورت جداگانه و هر یک بر اساس ضوابط و دستورالعمل‌های خاص خود اقدام به گزینش و نظارت بر موسسه‌های حسابرسی مورد تایید خود نمایند، نیازمند ریشه‌یابی است. به نظر نگارنده، ایجاد یک مرجع مستقل حرفه‌ای برای نظارت بر موسسه‌های حسابرسی به جای مراجع فعلی، بازگشتی به گذشته است که صرفاً باعث تکرار روندی است که برای تشکیل و استقرار جامعه حسابداران رسمی صورت پذیرفته است و ای بسا پس از طی کلیه مراحل، در عمل همچنان به دلیل نبود اجماع و توافق بر سر این موضوع، مجدداً به مانند شرایط فعلی شاهد نظارت چندگانه توسط مراجع مختلف باشیم.
به‌نظر اینجانب به‌جای ایجاد یک مرجع جدید که تا رسیدن به مرحله استقرار کامل و اجرایی شدن وظيفه‌های محول‌شده به این نهاد ناگزیر از صرف هزینه‌های بسیار و طی روند قانونی و مدت زمانی طولانی است، باید به بررسی، ریشه‌یابی و ارائه راهکارهای پیشنهادی و اصلاحی در خصوص موضوعهایی پرداخت که دلایل اصلی نبود موفقیت نسبی جامعه حسابداران رسمی در دستیابی به این مهم است. چرا که در صورت حل نشدن این مشکلات، ممکن است این موانع هر نهاد مستقل دیگری که عهده‌دار این مسئولیت خواهد شد را نیز، دچار مشکل نماید.